

آموزش و پرورش را دریا بید

محسن حاجی میرزایی

وزیر پیشین آموزش و پرورش

آموزش و پرورش ایران سال ۱۴۰۲ را با تلخی آغاز کرد. تاخیر در دریافت حقوق اسفند ماه، بروز اشتباه در محاسبات، ناتوانی در رسیدن به يك تفاهم عملي با سازمان برنامه و بودجه و عدم توفيق در اجرائی شایسته رتبه‌بندی، جامعه بزرگ فرهنگی کشور را در تعطیلات نوروزی با وضعیتی روبه‌رو کرد که در دهه‌های گذشته بی‌سابقه بود. این رویداد تلخ با استعفای وزیر و حتی تغییر در سطح سازمان برنامه و بودجه به سامان نمی‌رسد. آنچه در پایان اسفند ۱۴۰۱ شاهد بودیم بروز و ظهور کاستی‌های عمیق و مزمینی است که فراتر از خطای محاسباتی یا توان مدیریتی يك دستگاه و مسوول آن باشد. بنابراین اگر اراده‌ای برای حل واقعی و پایدار مساله وجود دارد باید این پدیده را مورد کنکاش عمیق‌تری قرار دهند و درک روشن‌تری از دلایل بروز این وضعیت حاصل کنند.

همواره مساله بودجه آموزش و پرورش، عدم رعایت اصل بسندگی و کسری‌های مزمین آن از يك سو و تامین دو مرحله‌ای کسری‌ها با استفاده از سازوکار تخصیص ۱۱۰ درصدی و انتقال باقیمانده به صورت مطالبات معوق يك چالش جدی در برابر همه متولیان آموزش و پرورش در دهه‌های گذشته بوده و متأسفانه روال صحیحی در این باره بنا نشده است. دغدغه میزان حقوق و تاخیر در پرداخت حقوق برخی معلمان و همچنین پرداخت پاداش بازنشستگی که برای دستگاه‌های دیگر امری هموار و بدون مشکل است در این دستگاه بزرگ و تاثیرگذار به يك معضل مزمین و پیچیده تبدیل شده است. سیطره و عمق این مشکل به گونه‌ای است که بخش مهمی از توجهات مدیران آموزش و پرورش معطوف به رتق و فتق این‌گونه امور است و وقت و فرصت مناسبی برای اهتمام بیشتر به موضوع ماموریت این نهاد آینده‌ساز پیدا نمی‌کنند.

نکته‌ای که در آغاز مسوولیت وزارت آموزش و پرورش توجه من را به خود معطوف کرد، این بود که وزیر همزمان با اخذ رای اعتماد و آغاز به کار در آموزش و پرورش، لکوموتیوران قطاری است که در ریل مشخصی

و به سمت مقصدي در حال حرکت است و اگر به گزارشي که وزرا در پايان کار خود از برنامه‌ها و اقدامات خود در دوران مسووليت ارايه مي‌کنند توجه شود، مشخص ميشود که تا چه حد توجهات مصروف داخل قطار (رسيدگي به کسري بودجه و مطالبات برحق معلمان و مدارس) است و به چه ميزان توجه به مسير و مقصد مورد غفلت و فراموشي قرار مي‌گيرد. اين قافله بزرگ که بيش از دويست هزار ميليارد تومان از منابع عمومي را به خود اختصاص مي‌دهد، يك ميليون معلم و کادر آموزشي را در خدمت بيش از ۱۶ ميليون دانش‌آموز در بهترين دوره يادگيري با بيشترين، پايدارترين و هموارترين ميزان يادگيري قرار داده است، از معضلات مهمي رنج مي‌برد و بدون شناخت درست از ريشه مشکلات قادر به حل واقعي و پايدار آن نخواهيم بود. بر پايه تجربه دوره مديريت خود اين مشکل را اينچنين تبين و صورت‌بندي مي‌کنم:

یکم: دريافتي ماهانه و سالانه معلمان حدود ۲۰ درصد از متوسط ساير کارکنان با سابقه و تحصيلات مشابه کمتر است. اين تفاوت به دليل دريافت اضافه‌کار ماهانه ديگر کارکنان و همچنين خدمات رفاهي است که معلمان از آن محروم هستند. هر چند مبناي حقوق ثابت معلمان با متوسط ساير کارکنان مساوي است، اما اين تفاوت‌ها به شکل‌گيري تفاوت در دريافتي منجر ميشود.

دوم: بودجه از مهم‌ترين محرک‌هاي انگيزشي و حمايت‌کننده از اهداف تلقی ميشود. شکل کنوني هزينه‌کرد بودجه در آموزش و پرورش اين‌گونه است که بيش از ۹۵ درصد بودجه سالانه صرف پرداخت حقوق و مزایا ميشود و اين ميزان صرفاً به تناسب تحصيلات، سابقه خدمت و نوع رابطه استخدامي مستقيماً از خزانه به حساب معلمان و اريز ميشود. اين شکل استفاده از بودجه نسبت به کيفيت خدمات معلمان و تفاوت در صلاحيت‌هاي حرفه‌اي و تخصصي آنان بي‌اعتناست و عملاً افزايش در حقوق معلمان به همان ميزان بر ارتقاي کيفيت خدمات تاثير ندارد. اين سيستم تخصيص منابع قادر نيست که پشتيباني موثري از اهداف تعليم و تربيت داشته باشد. اين يك نقص مهم کارکردي و نشانه يك نارسايي مهم در طراحي و معماري نظام آموزشي است.

سوم: سهم بودجه آموزش و پرورش از بودجه کل کشور از روال منظمي تبعيت نمي‌کند و بين کمتر از ۱۰ تا حدود ۱۵ درصد بودجه کل کشور در نوسان بوده است در حالي که اين نسبت بايد متناسب با نيازهاي واقعي تعيين و تنظيم شود. نوساناتي اينچيني در مجموعه‌اي که بيشترين هزينه آن هزينه‌هاي پرسنلي است اين دستگاہ را با چالش‌هاي بزرگي روبه‌رو مي‌کند.

چهارم: علاوه بر اين روال جهاني اينچنين است که بودجه آموزش و

پرورش بر مبنای سهم ثابتی از تولید ناخالص پیش‌بینی شود در حالی که از این حیث نیز علاوه بر سهم اندک، این سهم نیز در نوسان بوده است.

پنجم: مدارس هزینه‌هایی از قبیل آب، برق، تلفن و تعمیرات ضروری دارند که اعتبار تخصیصی برای این موضوع تنها به صورت سرانه بسیار محدودی به مدارس که در مناطقی با درجه محرومیت بالای ۵ هستند آن هم غالباً در میانه یا پایان سال اختصاص می‌یابد. در حالی که مدارس را از مطالبه کمک‌خانواده‌ها منع می‌کنیم، اما امکان تامین هزینه‌های ضروری آنها وجود ندارد و در نتیجه بخشی از هزینه مدارس توسط اولیای دانش‌آموزان انجام می‌شود که نوعی پرداخت بیضابطه و بدون نظارت است.

ششم: رتبه‌بندی به عنوان یک تکلیف قانونی و با هدف ارتقای کیفی خدمات و بهبود صلاحیت‌های تخصصی و حرفه‌ای معلمان است که طی سال‌های گذشته با مقوله ترمیم حقوق پیوند خورده و در عمل هر نوع افزایشی که با این هدف انجام شده به دلیل ترمیم نشدن حقوق معلمان صرف ترمیم حقوق شده است.

هفتم: برخلاف ادعای مسوولان محترم که این روزها مکرر گفته می‌شود که این دولت رتبه‌بندی را اجرا کرد باید بگوییم که علاوه بر اینکه لایحه رتبه‌بندی با پیش‌بینی اعتبار مورد نیاز آن در دولت قبل تقدیم مجلس شورای اسلامی شد، طی سال ۱۳۹۸ چهار بار (افزایش حقوق ابتدای سال، اصلاح ضرایب رتبه‌بندی مصوب دولت، اعمال افزایش ۵۰ درصدی فصل دهم قانون مدیریت خدمات و اصلاح ضرایب فوق‌العاده ویژه فرهنگیان) احکام معلمان اصلاح شد و آمادگی کامل برای اجرای رتبه‌بندی در صورت تصویب مجلس فراهم بود که مجلس شورای اسلامی از یک سو با افزایش سطح مطالبات و همچنین تاخیر در رسیدگی و تصویب آن، مسوولان آموزش و پرورش را با مشکلات متعددی در اجرا مواجه کرد. علاوه بر اینکه حداقل در دو نوبت در دولت قبل شکلی از رتبه‌بندی که تفاوت زیادی با آنچه الان اجرا شده ندارد، در آموزش و پرورش اجرا شده است. اکنون برای ترمیم وضعیت و اصلاح ریشه‌ای آن پیشنهادهایی زیر تقدیم می‌شود:

۱- ارزیابی دقیقی از هزینه‌های آموزش و پرورش با تمرکز بر اجرای شایسته مأموریت و ارتقای کیفیت خدمات و رعایت استانداردهای مصوب به عمل آید و ترمیم بودجه آموزش و پرورش به صورت متناسب کردن آن با هزینه‌های قطعی و ضروری و تعیین سهم ثابتی از تولید ناخالص داخلی متناسب با متوسط کشورهای مشابه انجام شود.

۲- موضوع ترمیم حقوق و رتبه‌بندی از یکدیگر تفکیک شود. در ترمیم حقوق باید دریافتی معلمان را با متوسط سایر کارکنان هماهنگ کرد و

بودجه رتبه‌بندی نیز به صورت مجزا و منحصرأ به عنوان ابزاری برای ارتقای ساختار انگیزشی، بهبود کیفیت خدمات و افزایش صلاحیت‌های حرفه‌ای و تخصصی معلمان اختصاص یابد. رتبه‌بندی يك نیاز اساسی برای افزایش کیفیت خدمات آموزشی و تربیتی و اجرای شایسته‌تر این مأموریت آینده‌ساز است.

اقدام مناسب درباره رتبه‌بندی می‌تواند به تدریج بودجه را در خدمت حمایت از اهداف نظام تعلیم و تربیت قرار دهد. در صورت متعادل و هماهنگ کردن دریافتی معلمان مجال بیشتری برای مسوولان جهت اجرای شایسته رتبه‌بندی فراهم می‌شود. اجرای رتبه‌بندی نیازمند سازوکارهای دقیق و معتبر سنجش صلاحیت‌هاست که در غوغای ترمیم حقوق مجال تدوین سازوکار مناسب و اجرای صحیح آن فراهم نمی‌شود.

منبع: روزنامه اعتماد 15 فروردین 1402 خورسرو